



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

بررسی و مقایسه چگونگی برساخته شدن واقعیت فقر

برای زنان و مردان

استاد راهنما: طاهره قادری

استاد مشاور: محمد سعید ذکایی

استاد داور: طلعت اللهیاری

نگارش: مرضیه افضلی

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم به:

امام علی (علیه السلام) بزرگ پدر محرومان،

خمینی کبیر و جانشین شایسته اش

و همه آنهایی که به ظاهر دارایی شان اندک است اما دلی به وسعت دریا دارند.

## تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خدای بزرگ را که با لطف و عنایت او همه بن بستها به رویم گشوده شد.

برای پیمودن مسیری که بدینجا ختم شد، افراد زیادی متحمل زحمت شدند که تشکر از آنها جبران کمتر از یک از هزاران لطف است.

بزرگترین سپاس تقدیم مصاحبه شونده‌گانی که بدون همکاری آنها این پژوهش شکل نمی‌گرفت. دوستان عزیز در جمعیت امام علی (ع) با ارزشترین دارایی یعنی وقتشان را در اختیارم گذاشتند. از زحمات خانم رحیمی دبیر جمعیت، خانم زرنندی و رابطان قرچک، آقای رضایی و رابطان فرحزاد، خانم بهرامی و رابطان سیروس و خانم اسماعیلی و رابطان پیشوا بسیار سپاسگزارم.

استاد بزرگوار آقای دکتر کاظمی استاد گروه ارتباطات دانشگاه تهران کتاب زیمل را در اختیار دانشجویی قرار دادند که پیش از این نمی‌شناختند و او را مدیون خود ساختند. آقای دکتر زریباف که سخاوتمندانه مطالعاتشان در زمینه رویکرد اسلام به فقر را در اختیارم گذاشتند و آقای دکتر ذکایی به سبب نکات ارزشمندی که در جریان مشاوره مطرح نمودند، شایسته تقدیر و تشکر هستند.

تشکر نمادی است برای بیان احساس دین به دیگری اما نمادها همیشه حق مطلب را ادا نمی‌کنند. تشکر کوچکتر از آن است که تقدیم استادم خانم دکتر قادری شود چراکه مهمتر از راهنمایی پژوهش، اخلاق، گمشده فضای آکادمیک را به من آموختند.

## فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
فهرست مطالب	۱
چکیده	۵
فصل اول کلیات تحقیق	۶
۱-مقدمه	۷
۲-بیان مسئله	۸
۳-اهداف اصلی تحقیق	۱۱
۴-ضرورت و اهمیت موضوع	۱۱
۵-پیشینه تحقیق	۱۴
۵-۱-پژوهش های داخلی	۱۴
۵-۲-پژوهش های خارجی	۱۹
فصل دوم ادبیات موضوع	۲۴
۱-مقدمه	۲۵
۲-فقر در نظر مارکس	۲۶
۳-فقر از نظر زیمل	۳۱
۴-فقر از نگاه اسلام	۴۴
۵-دسته بندی های نظری در حوزه جامعه شناسی فقر	۴۹
۵-۱-رویکردهای فردگرایانه به فقر	۴۹

۴۹	۵-۱-۱ دیدگاه کارکردگرا
۵۰	۵-۱-۲ چشم انداز فرهنگی
۵۱	۵-۲ رویکردهای جامعه گرایانه به فقر
۵۱	۵-۲-۱ دیدگاه قدرت گرا
۵۱	۵-۲-۲ چشم انداز موقعیتی
۵۲	۵-۲-۳ ساختارگرایان
۵۵	۵-۳ رویکردهای تلفیقی به فقر
۵۵	۵-۳-۱ چشم انداز ربطی
۵۵	۶- نظریات فقر زنان سرپرست خانوار
۵۵	۶-۱ زنانه شدن فقر
۵۸	۶-۲ نظریه ساختی کارکردی
۵۹	۶-۳ نظریه طبقاتی و ناتوانی دولتها
۵۹	۶-۴ نظریه کنش
۶۰	۷- نظریات ستم جنسیتی
۶۰	۷-۱ فمینیسم لیبرال
۶۱	۷-۲ فمینیسم رادیکال
۶۲	۷-۳ فمینیسم مارکسیست
۶۴	۷-۴ فمینیسم سوسیالیستی
۶۶	۷-۵ معرفت شناسی فمینیستی
۶۸	۸- نظریات بازار کار زنان

۶۹	۸-۱-نظریه های نئوکلاسیک
۷۰	۸-۲-نظریه های تجزیه شدن بازار کار
۷۱	۸-۳-نظریه های جنسیتی
۷۳	۹-رویکرد سازه گرایانه برگر و لاکمن به واقعیت اجتماعی
۷۸	فصل سوم روش تحقیق
۷۹	۱-مقدمه
۸۰	۲-روش شناسی تحقیق
۸۲	۳-نظریه مبنایی
۸۲	۳-۱-نمونه گیری
۸۶	۳-۲-جامعه آماری
۸۶	۳-۳-معرفی جمعیت امام علی (ع)
۸۸	۳-۴-گردآوری داده ها
۸۸	۳-۵-سؤالات تحقیق
۸۹	۳-۶-تجزیه و تحلیل داده ها
۹۰	۴-پیمایش
۹۰	۵-مفهوم شناسی فقر
۹۱	۵-۱-فقر درآمدی
۹۲	۵-۲-فقر قابلیتی
۹۵	۵-۳-سایر انواع فقر
۹۶	۶-تعریف مفاهیم

۹۸.....	فصل چهارم یافته های تحقیق
۹۹.....	۱-مقدمه
۱۰۰.....	۲-یافته های حاصل از مصاحبه
۱۴۷.....	۲-۱-جمع بندی
۱۵۲.....	۳-یافته های پیمایش
۱۶۶.....	۳-۳-جمع بندی
۱۶۸.....	فصل پنجم نتیجه گیری
۱۶۹.....	۱-مقدمه
۱۷۰.....	۲-روایت تحلیلی
۱۷۲.....	۳-بررسی نظری
۱۷۹.....	پیشنهادات پژوهشی
۱۸۰.....	پیشنهادات کاربردی
۱۸۲.....	فهرست منابع
۱۸۷.....	ضمایم

## چکیده

فقر از جمله پدیده‌هایی است که در دنیای اندیشه توجه زیادی را به خود جلب کرده‌است و همین امر دال بر اهمیت آن است. در جامعه‌شناسی به این مسئله اجتماعی با روشها و رویکردهای مختلفی پرداخته شده‌است. این تحقیق روش کیفی را برگزیده‌است تا از طریق مصاحبه عمیق نگاه افراد فقیر به زندگی روزمره‌شان، فقر را دریابد. سؤالاتی که برای دستیابی به این هدف بررسی شدند این مضامین را دربرداشتند: تعریف، علت، فرآیند فقیر شدن، انطباق با وضعیت فقر، انتقال فقر، راهکارهای رهایی، محرومیتهای اجتماعی و انتظار فقرا از جامعه. نمونه‌های مورد بررسی نیز به دو گروه مساوی زن و مرد تقسیم شدند تا یافته‌ها میان این دو گروه مقایسه شود. مقایسه میان درک زنان و مردان از فقر یکی از سؤالات اصلی تحقیق بود.

علاوه بر مصاحبه از پرسشنامه برای تعیین ویژگی‌های جامعه آماری استفاده شد. پرسشنامه شامل سؤالاتی درباره ویژگی‌های جمعیت شناختی، وضع درآمد، وضعیت مواد غذایی، پوشاک، درمان، اوقات فراغت و حمل و نقل بود. یافته‌های پیمایش حاکی از درآمد پایین، مصرف مواد غذایی در سطح تأمین پروتئین گیاهی، درمان در حد ضرورت، مصرف پوشاک، اوقات فراغت و حمل و نقل در کمترین سطح ممکن در جامعه آماری است.

مصاحبه که با هدایت رویکرد سازه‌گرایانه برگزیده شد و لاکمن به واقعیت اجتماعی انجام شد، به این نتایج دست یافت. افراد فقیر، فقر را زندگی سخت تعریف کردند. در علت‌یابی فقر ترکیبی از خواست خدا و عوامل عینی را در نظر گرفتند. آنها در اثر فرآیندی که در ابتدای آن یکی از سه واقعه بیماری، اعتیاد و ورشکستگی قرار دارد، به موقعیت فعلی رسیدند. کنش فقرا در مقابل فقر، تنوعی از راهکارهای انطباقی را به وجود می‌آورد، که در ۴ زمینه مسکن، درمان، اوقات فراغت و خواسته‌های فرزندان بررسی شد. فقر پیامدهایی دارد که محرومیت اجتماعی آشکارترین آنهاست و موجب جهت‌گیری جامعه‌پذیری فرزندان به سمتی می‌شود که آنها را از فقر رهایی بخشد.

با توجه به یافته‌های مصاحبه هدف اصلی یعنی دستیابی به واقعیت زندگی روزمره از دید فقرا، محقق شد. واقعیت در دو جزء ترسیم شد؛ روایت زندگی که بخش عینی واقعیت است و فرآیند ذهنی که جهان پیرامون را تفسیر و معنی می‌کند. این دو عنصر بر یکدیگر اثرگذارند و ترکیب آنها برساخت فقرا از واقعیت را به دست می‌دهد.



# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱- مقدمه

این فصل به کلیات تحقیق می‌پردازد. در بیان مسئله، وجود فقر در جامعه ایران و ابعاد آن بررسی و از میان مسائل مربوط به حوزه فقر، چگونگی برساخته شدن واقعیت فقر برای فقرا و مقایسه آن میان زنان و مردان به عنوان موضوع تحقیق مشخص می‌شود. اهداف اصلی تحقیق بیانگر افقی است که در ابتدای راه برای پایان کار ترسیم می‌شود و هدف محقق از طی مراحل تحقیق را بیان می‌کند. ضرورت و اهمیت تحقیق مشخص کننده نیازی است که به انجام این گونه پژوهشها در دو سطح نظری و راهبردی احساس می‌شود و سودمندی آن را برای سازمانهای مرتبط آشکار می‌کند. در حقیقت ضرورت و اهمیت مشخص می‌کند، چرا فقر یک مسئله است و باید به آن پرداخت. پایان بخش این فصل ذکر پژوهشهایی است که تا کنون در حوزه فقر انجام شده است. به پژوهشها در دو حوزه داخلی و خارجی توجه شده است تا تلویحاً نقاط اشتراک و اختلاف پژوهشها روشن و حوزه‌هایی که نیاز به فعالیت دارد، مشخص شود. سعی بر این بوده در این بخش پژوهشهایی انتخاب شوند که فقر در آنها متغیر اصلی باشد و یا به روش کیفی انجام شده و یا اینکه نگاه جنسیتی به فقر داشته باشند.

## ۲- بیان مسئله

از زمان پیدایش نابرابری‌های اجتماعی در جوامع بشری، ثروت همواره یکی از مهمترین منابعی بوده که موجب رتبه‌بندی افراد و ظهور گروه‌های فقیر و ثروتمند شده‌است. تاریخ و ادبیات به عنوان یادگار گذشتگان نشان از پیشینه این تمایز دارند. جدا از بارمنزلیتی که برای فقر در دوره‌های مختلف متصور است، فقرا همواره افرادی بوده‌اند که توان تأمین زندگی خود را نداشته‌اند. امروزه نیز اولین معنایی که از فقر به ذهن متبادر می‌شود ناکافی بودن درآمد در مقایسه با نیازهای حیاتی است. فقر برای کسی که با آن درگیر است در مرحله اول حیات زیستی و سپس حیات انسانی - اجتماعی را به خطر می‌اندازد یا بسیار سخت می‌کند.

به فقر از دو رویکرد می‌توان عنوان مسئله داد با دیدی مثبت سعدی وار رنج هر عضو اجتماع را برای دیگری گران دانست، یا کارکردگرایانه جامعه را از بخشی از استعدادهایی که می‌توانست به پیشرفت آن کمک کند، محروم دید و در بدبینانه‌ترین نگاه فقر منشأ بسیاری از معضلات اجتماعی و عامل بخشی از کژکارکردها است. فقر به سبب پیامدهایش توجه دولتها را به خود جلب کرده، ایجاد رفاه و مبارزه با فقر یکی از وظایف آنها تلقی می‌شود. بیمه‌های بیکاری، بازنشستگی و درمانی به منظور همین امر مطرح شده‌اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر لزوم مبارزه با فقر تأکید شده‌است و در برنامه‌های ۵ ساله توسعه طرحهایی برای مبارزه با فقر و محرومیت در نظر گرفته شده‌است. بنابراین فقر در ایران از منظر دولت مسئله‌ای بااهمیت است. چگونگی وجود فقر در ایران را می‌توان از طریق بررسی آمارها دریافت، آمارهای رسمی میزان جمعیت فقیر در سال ۷۵ را ۲۰/۹٪ اعلام کرد. منابع غیر رسمی تصویر جدی‌تری از فقر ارائه می‌دهند دکتر رئیس دانا در سال ۱۳۷۹ از فقیر بودن ۳۵٪ جمعیت ایران سخن می‌گوید. (رئیس دانا، ۱۳۷۹) به نقل از پیران، ۱۳۸۴: ۳۸) برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ نیز میزان فقر در ایران را ۱۰ درصد اعلام کرد.

برای آگاهی از ترکیب فقر در کشور، می‌توان از گزارش فقر سازمان ملل متحد در مورد ایران در سال ۲۰۰۲ استفاده کرد. طبق این گزارش خانواده‌های زن سرپرست تجربه فقری به مراتب بیشتر دارند. اطلاعات مرکز آمار ایران حاکی از این است که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ از تعداد ۱۷ میلیون و ۳۵۲ هزار و ۶۸۶ خانوار کشور، یک میلیون و ۶۴۱ هزار و ۴۴ خانوار دارای سرپرست زن بوده‌اند. «در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ به

ترتیب هزینه‌های ۴/۴۵، ۵۲ و ۵/۱۷٪ از کل زنان سرپرست خانوار اجازه دستیابی اعضای خانوار به حداقل‌های مورد نیاز را نمی‌داده‌است و بنابراین در فقر مطلق زندگی می‌کرده‌اند.» (شادی‌طلب، ۱۳۸۳: ۶۱) دکتر شادی‌طلب از زنانه شدن فقر در ایران سخن می‌گوید. او معتقد است «آن گونه که پژوهشها نشان می‌دهد فقر به سوی زنانه شدن پیش می‌رود، زیرا زنان از امکانات لازم برای کاهش فقر محرومند. همچنین محدودیت تحرک اجتماعی و اقتصادی آنها، تحت تأثیر عوامل فرهنگی و قانونی، مبارزه با فقر را برای زنان سرپرست خانوار دشوارتر ساخته‌است.» (همان: ۵۰)

بنابراین فقر زنان واقعیتی غیر قابل انکار است و مسائل ناشی از جنسیت به آن ماهیتی خاص می‌دهد. دو عامل فقر زنان را شدت می‌بخشد. عامل اول موقعیت زنان در بازار کار است. به گفته مهرانگیز کار «در بسیاری از انواع اشتغالی که به زنان عرضه می‌شود روابط استثماری کار درآمد کم و نامنظم وجود دارد. در کارهای خانگی و کارهایی که خارج از محیط کار صورت می‌گیرد، کارگران امکان زیادی برای تعیین شرایط کار و پیشنهاد مزد ندارند و زنها نوعاً در این قبیل کارها به کار گرفته می‌شوند. به این ترتیب ممکن است زنان سهم بیشتری از مشاغل را به دست آورند اما این مشاغل پایین تر از سطح استاندارد است و منجر به تنزل سطح زندگی می‌شود.» (کار، ۱۳۸۴: ۱۸۳) عامل دیگر بیمه و تأمین اجتماعی زنان است. فقدان پوشش حمایتی برای زنان خانه‌دار باعث می‌شود در صورت از دست دادن منبع تأمین مالی خود برای ادامه زندگی با مشکلات زیادی روبه‌رو شده، گرفتار فقر شوند. مهرانگیز کار به این مسئله نیز توجه کرده «انبوه زنان خانه‌دار ایرانی که خدمات خود را در اختیار خانواده می‌گذارند. در حالی که از تأمین اجتماعی در صورت بازنشستگی، بیکاری، بیماری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح محروم مانده‌اند.» (همان: ۲۶۴) به جز جایگاه زنان در ساختار اقتصادی برای نشان دادن وجود تفاوت میان درک زنان و مردان به جسی برنارد نیز می‌توان استناد کرد. او معتقد است زنان و مردان در دنیاهایی که از نظر عینی و ذهنی متفاوت هستند به سر می‌برند و عامل زیر را به عنوان شاهد مدعای خود ذکر می‌کند. «پسران و دختران و مردان و زنان در مدرسه، در فضاهای عبادی، برسر کار و در بازی‌ها تابع هنجارها، قواعد رفتاری و انتظارات متفاوتی هستند و شایستگی آنان برای دریافت پاداش و آسیب‌پذیری‌شان در برابر تنبیهات با معیارها و قانونهای متفاوتی سنجیده می‌شود.»

(برنارد، ۱۳۸۴ : ۱۸) لذا می‌توان فقر زنان را خصوصاً زمانی که سرپرستی خانوار بر عهده آنها باشد، متفاوت از فقر مردان در نظر گرفت و آن را مطالعه کرد.

گرچه فقر اغلب به عنوان مسئله‌ای اقتصادی تلقی شده و اقتصاددانان به دنبال عوامل و پیامدهای آن در بازار بوده‌اند. اما مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، ابعاد مختلف دارد که یکی از آنها اقتصادی است. به فقر می‌توان از بعد روانشناختی نگاه کرد و اثر آن را بر رشد شناختی و احساسی افراد بررسی کرد. از بعد سیاسی نیز فقر را می‌توان به عنوان عامل فشار بر دولتها به حساب آورد. یکی از ابعاد فقر، اجتماعی است در این حوزه نیز به دنبال عوامل و پیامدهای فقر هستیم. عواملی که ریشه در ساختار اجتماعی دارند و پیامدهایی که جامعه باید متحمل شود. در این رویکرد، به فقر از بیرون نگریسته می‌شود اما در زیر پوسته فقر به عنوان مسئله اجتماعی نوعی از زندگی جاری است.

همان گونه که افراد طبقات بالا و متوسط بر اساس امکاناتشان، شیوه زندگی و درک خاصی از موقعیت دارند. فقرا نیز خود را با فقدان امکانات تطبیق می‌دهند، درکی از وضعیت خاص خود دارند که متفاوت از نگاه دیگران است. فقر تجربه زیست شده آنهاست و زندگی فقیرانه واقعیت روزمره آنها محسوب می‌شود. ارزشها و هنجارهای خاص خود دارند، رفتارهایی انجام می‌دهند و در مجموعه‌ای از روابط قرار می‌گیرند که حاصل شرایط زندگی آنهاست. فقر خواه اکتسابی یا ارثی باشد فقرا فرزندانانی دارند که توسط آنها جامعه‌پذیر و برای زندگی اجتماعی آماده می‌شوند. والدین براساس ارزیابی وضعیت موجود شیوه‌هایی تربیتی متفاوتی برای فرزندان اتخاذ خواهند کرد و ارزشها و هنجارهایی خاص را به آنها می‌آموزند.

در حوزه فقر سؤالاتی چون علل فقر، پیامدهای فقر، ارتباط فقر با سایر مسائل اجتماعی، تأثیر فقر بر بافت شهری و ... قابل طرح است. در این تحقیق فقر به عنوان واقعیتی که توسط فقرا زندگی می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد و آنچه اهمیت دارد، درک فقرا از وضعیتشان است. سعی شده‌است به فقر از زاویه دید فقرا توجه شود و علت، فرآیند، راهکارهای انطباق، راهکارهایی رهایی و انتظارات آنها از اجتماع مورد بررسی قرار گیرد. به واقعیت با عینک برگر و لاکمن نگریسته می‌شود که از دید آنها دو بعد عینی و ذهنی دارد. پس مجموعه‌ای از رفتارهای نهادی شده به همراه مجموعه دانش مرتبط با آنها واقعیتی که ما آن را فقر می‌نامیم به وجود می‌آورد.

این رفتارها در اثر جامعه‌پذیری به نسل بعد منتقل شده واقعیت ذهنی فرزندان را می‌سازد و دوباره در عملکرد آنها به صورت عینی درمی‌آید. البته در این پژوهش پیشفرض این است که فقر وضعیتی نامطلوب تلقی شده و افراد فقیر جامعه‌پذیری فرزندان را به سمت رهایی از فقر جهت می‌دهند.

### ۳-اهداف اصلی تحقیق

یک پدیده اجتماعی هرگز توسط ناظران آن گونه که افراد درگیر، آن را حس می‌کنند دیده نمی‌شود. این پژوهش قصد دارد:

- ۱- زندگی در فقر را توصیف کند.
- ۲- نظریه‌ای مبنایی درباره چگونگی ساخت اجتماعی فقر برای افراد فقیر ارائه دهد. در نتیجه تصویری از زندگی در فقر که توسط فقرا ترسیم می‌شود را به نمایش درآورد.
- ۳- درک زنان و مردان از زندگی در فقر را مقایسه و تأثیر شرایط اجتماعی متفاوت بر درک آنها از وضعیت اقتصادی مشابه را بررسی کند.

### ۴-ضرورت و اهمیت موضوع

جوامع مختلف با مشکلات متعددی مواجه هستند اما تنها به تعدادی از آنها که اهمیت بیشتری دارند عنوان مسئله اجتماعی می‌دهند. فقر پدیده‌ای است که در میان اغلب جوامع مسئله اجتماعی شناخته می‌شود. بررسی دکتر سخاوت دلیلی بر این مدعا است. «در ده کتاب که در فاصله سالهای ۷۵-۱۹۳۵ در زمینه مسائل و مشکلات اجتماعی منتشر شدند، مهمترین مسائل اجتماعی عبارت بودند: از جرم و جنایت، ازدواج و خانواده، جمعیت مهاجرت نژاد و روابط اخلاقی، فقر، سلامت روانی و فیزیکی، تعلیم و تربیت، شرایط کار و کارگری، مشکلات شهر و روستا، آسیبهای مشخص چون الکلیسم و خودکشی و اعتیاد، سیاست، بیکاری، محیط شناسی، جنگ و صلح.» (سخاوت ۱۳۷۷) به نقل از مدنی، ۱۳۷۹ : ۲۸۵

اهمیت مسئله فقر باعث جلب توجه پژوهشگران و انجام فعالیتهای پژوهشی متعددی شده است. در ایران اغلب به فقر با دو رویکرد پرداخته شده؛ رویکرد اقتصادی به دنبال علل، مقیاسهای سنجش و راههای کاهش فقر است. رویکرد دوم متعلق به متخصصان علوم اجتماعی است که به دنبال پیامدهای فقر هستند. هدف هر دو رویکرد حذف فقر است، در ضرورت انجام این نوع تحقیقات شکی نیست اما نگاه پزیتیویستی سبب کنار گذاشته شدن موضوع از جریان پژوهش شده است. درک افرادی که نشانه توسعه نیافتگی جامعه تلقی می‌شوند از وضعیتشان به کناری گذاشته شده است. در حالی که به بیان کاترین مارشال برای پژوهش اجتماعی «یکی از فرضیه‌های اصلی بر اساس دیدگاه توماس قرار دارد، مبنی بر اینکه در تحقیقاتی که درباره تجربه انسانی انجام می‌شود این امر ضرورت دارد تا از شیوه‌ای که افراد موقعیت و شرایط موجود و متعلق به خود را تعریف می‌کنند، آگاه باشد.» (مارشال، ۱۳۷۷ : ۵۷) امروزه نیز رویکردهای مشارکت محور با همین اندیشه روی کار آمده‌اند و بر ناموفق بودن برنامه‌های حذف فقر که فقرا را در جریان شکل‌گیری برنامه دخالت نمی‌دهند، تأکید می‌کنند. هرچند در این تحقیق هدف ارائه راهکار برای حذف فقر نیست، اما به طور غیر مستقیم با نشان دادن تصویر ذهنی فقرا که حاصل تجربه عینی آنهاست به این رویکردها کمک می‌شود، با اعتقاد به این عبارت مارک پاول هنری که «فرد فقیر ثروتمند بدون پول نیست انسان دیگری است. تفاوتی که بین آنها وجود دارد، فقط درآمدی نیست، این تفاوتها در تعلیم و تربیت، در روابط اجتماعی و خلاصه در تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی موجود است.» (هنری، ۱۳۷۴ : ۳۶)

علاوه بر رویکردهای مشارکت محور در مطالعات فقر گرایی به سمت در نظر گرفتن تجربه فقرا به وجود آمده است. الس اوین (Else Oyen) معتقد است «اگر قرار است پژوهشهای فقر پیشرفتی حاصل کند، باید جایی برای جستجوی جهانی درک فقر و این واقعیت که کسانی که مجبور به زندگی در فقر هستند آن را با پوست و گوشت خود حس کرده‌اند، باز کند. مردم فقیر باید همه روزه ۲۴ ساعت در شبانه روز و در تمام سال با فقر خود رو در رو گردند. نحوه لباس پوشیدن فقرا، طرز صحبت کردن آنان، طرز تهیه غذایشان و شیوه‌ای که آنان فرزندانشان را امیدوار یا نا امید می‌کنند- همه بازتاب قوانین آهین فقر می‌باشند. برای اکثریت فقرا هرچه آنان به فرزندانشان بگویند تفاوتی به وجود نمی‌آید؛ زیرا هرگز راه‌گریزی برای آنان وجود نخواهد داشت. اما با وجود این گوناگونی راهبردهای بقا حیرت‌انگیز است.» (اوین، ۱۳۸۱ : ۲۷)

بعد دیگر تحقیق انجام مقایسه بین زنان و مردان است. محدودیتهای فرهنگی که برای زنان در جامعه ایران وجود دارد، حضور در بازار کار و دستیابی به منابع اقتصادی را با دشواریهایی روبه رو می‌کند. این تصور که زنان وابسته به مردی هستند که نیازهای اقتصادی آنان را تأمین می‌کند، زنان را به سمت مشاغل کم درآمد هدایت می‌کند. مهرانگیز کار این مطلب را چنین بیان می‌کند «به لحاظ آنکه براساس عرف و هنجارها و عادات و قوانین موضوعه مردان نان‌آور خانواده شناخته شده‌اند. اکثر مشاغل در انحصار یا اختیار مطلق مردان قرار گرفته‌است. در شرایط رکود و در حالی که کشور با بیکاری فزاینده و گسترده روبه‌رو بود کارفرمای بخش عمومی و بخش خصوصی ناچار از اولویت دادن به استخدام و به‌کارگیری و ابقای مردان در مشاغل گوناگون بوده‌است.» (کار، ۱۳۸۴ : ۱۴۱-۱۴۰) بنابراین ضروری است تصویری از وضعیت زنان در فقر و واقعی بودن نیاز آنها به منابع مالی پایدار نشان داده شود تا به محو اندیشه فوق کمک کرده و جایگاه زنان در بازار کار را بهبود بخشیده، از بار فقر آنها بکاهد.



۱-۵- پژوهشهای داخلی

"فقر زنان سرپرست خانوار" از جمله فعالیتهایی است که در حوزه فقر زنان توسط شادی طلب و گرایبی نژاد انجام شده است. هدف این پژوهش بررسی تعمیم‌پذیری این مسئله در ایران است که آیا زنان سرپرست خانوار فقیرترین فقرا هستند؟ پرسش مذکور در پی توجه پارادایم جدید فقر به عواملی که محرومیت زنان سرپرست خانوار را تأیید می‌کند، یعنی جنسیت و در پی آن محرومیت از منابع، مطرح شده است. این پژوهش با بررسی آمارهای ملی کلان در دو زمینه فقر مطلق و نسبی در سه مقطع از یک دوره ۱۰ ساله ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ انجام شد. خانوارهای فقیر براساس خط فقری که با رویکردهای هزینه‌ای استخراج شده، شناسایی شده‌اند. بررسی روند فقر در ایران نشان می‌دهد که درصد خانوارهای فقیر در دهه گذشته روند نزولی داشته است. هرچند این روند برای زنان نیز نزولی بوده اما نسبت مذکور برای زنان در مقایسه با مردان همیشه بیشتر بوده است.

رابطه میان سواد، سن، نوع فعالیت، زندگی در شهر یا روستا و بعد خانوار با فقر مطلق و نسبی سنجیده شد و نتیجه گرفته شد که سطح زندگی در مناطق روستایی همواره پایین تر از مناطق شهری بوده است. زنان بی سواد به شدت در معرض فقر قرار داشته‌اند و با افزایش اندازه خانوار، امکان فقیر شدن روبه کاهش می‌گذارد. درصد فقر در میان گروههای سنی ۲۵ سال و کمتر و ۵۶ سال و بیشتر، همواره بیشتر از سایر گروههای سنی بوده است. درصد فقر در میان شاغلان همواره بسیار کمتر از درصد فقر در خانوارهای با سرپرست بیکار بوده است. تقریباً در کلیه وضعیتهای شغلی و در طول دوره مورد بررسی، نسبت فقر در میان زنان بیشتر از مردان بوده است. اما درصد فقر زنان محصل و خانه‌دار سرپرست خانوار، بسیار بیشتر از سایر وضعیتهای فعالیت، درخور توجه است.

در نهایت از این تحقیق نتیجه حاصل شد که گرچه فقر در ایران و در میان زنان سرپرست خانوار در سه دهه اخیر روند کاهش یابنده‌ای داشته است ولی با توجه به میزان زنان سرپرست خانوار در کل کشور و سهم آنها در

دهک‌های اول و دوم می‌توان نتیجه گرفت که زنان سرپرست خانوار به دلیل بی‌سوادی، داشتن خانوارهای کوچک‌تر و تعداد شاغلان کمتر در خانوار جزو فقیرترین فقرا هستند.

"فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار" پژوهشی است که توسط شادی طلب و همکارانش انجام گرفته‌است. فقر تنها درآمدی تعریف نشده بلکه از دیدگاه توسعه انسانی مورد توجه قرار گرفته و به معنای محرومیت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و فرصت برای یک زندگی شرافتمندانه است. تحقیق با رویکرد توانمندسازی زنان انجام شده این رویکرد زنان را صرفاً آسیب‌پذیر، فقیر و نیازمند حمایت نمی‌بیند، بلکه با هدف کسب آگاهی و درک رابطه جنسیت و قدرت، بر احساس با ارزش بودن و به دست آوردن توانایی برای استفاده از حق انتخاب کنترل بر زندگی تأکید می‌نماید. (شادی‌طلب، ۱۳۸۴ : ۲۳۳)

در این تحقیق برای توانمندی ۴ بعد و برای هر کدام شاخص‌هایی در نظر گرفته شده‌است: ۱- بعد اجتماعی با شاخص تمایل زنان به مشارکت، گرایش آنها به کار گروهی، حضور در فضای عمومی و مشارکت در گروه‌های غیرفامیلی ۲- بعد روانی با شاخص میزان گرایش به نوظیری و تقلیدگرایی، اعتماد به دیگران و احساس توانایی برای تأثیرگذاری در زندگی حال و آینده ۳- بعد اقتصادی با شاخص نوع اشتغال و کنترل بر دارایی و ۴- بعد سیاسی با شاخص مشارکت در شوراهای اسلامی سنجیده شد.

در پژوهش حاضر ترکیبی از روش‌های کمی، پیمایش و پرسشنامه و روش کیفی، مشارکت و بحث گروهی برای اطلاع از نگرشها، گرایشها و رفتار زنان سرپرست خانوار که بیانگر توانمندی است به علاوه تحلیل ثانویه اطلاعات موجود در سطح کلان، مورد استفاده قرار گرفته است. هدف شناخت وضعیت کنونی توانمندی زنان سرپرست خانوار است. فرضیه‌های تحقیق به این شرح‌اند: ۱- زنان به خاطر زن بودن بیشتر در معرض فقر قرار دارند. ۲- فقر زنان فقط جنبه اقتصادی ندارد. ۳- جنبه‌های روانی و اجتماعی فقر زنان نیز مهم هستند. ۴- برای مبارزه با فقر توانمندی زنان و تحولات ساختاری لازم است.

جامعه مورد مطالعه، زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی در شهر اراک (۱۹۴ خانوار) است. نمونه‌ای به حجم ۹۱ نفر از زنان با تمرکز بیشتر بر گروه‌های سنی نسبتاً جوان و میانسال برای بررسی انتخاب شدند و از میان آنها حدود ۱۵ تا ۳۰ نفر در کارگاهها و بحث‌های گروهی شرکت نمودند.

بررسی داده‌ها نشانگر این است که زنان ایرانی در هر ۴ بعد توانمندی دچار فقر هستند. آنان در حالی که به شرکت در فعالیتهای جمعی تمایل دارند رفتار مشارکتی حداقلی را نشان می‌دهند و سطح اعتماد آنها بسیار پایین است. اعتقاد به بخت و اقبال موجب آمادگی بسیار کم برای نوبذیری است و اعتقاد به نقشهای جنسیتی متفاوت در حین برعهده داشتن نان‌آوری حاکی از تأثیر جامعه‌پذیری سنتی، تجربه تضاد نقشها و احساس نارضایتی است. از نظر شادی طلب علت این ناتوانی‌ها را باید در ساختار اجتماعی و قوانینی پیدا کرد که در ذات خود نابرابری در فرصتها را تقویت کرده و گسترش می‌دهد.

"بررسی عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی فضایی و آثار آن بر شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جرم‌زا" رساله دکتری عماد افروغ است. یکی از متغیرهای اصلی تحقیق فقر در نظر گرفته شده‌است. در این پژوهش که هدف آن «بررسی نظری عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر و آثار آن بر شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جرم‌زا از طریق نقد اثباتی و آزمون تجربی» عنوان شده‌است، سؤالات اساسی عبارتند از: ۱- رابطه فضا و نابرابری اجتماعی و دلالت‌های آن بر جدایی‌گزینی‌های فضایی. ۲- تمرکز فقر و اثر آن بر پیدایش خرده‌فرهنگ کجرو.

این تحقیق بر پایه رویکرد کثرت‌گرایانه و بر به نابرابری انجام شده و منشأ جدایی‌گزینی فضایی سه عرصه مختلف و مرتبط یعنی: ۱- نظم یا ساختار اقتصادی ۲- دولت یا ساختار سیاسی ۳- عرصه زیستی- اجتماعی در نظر گرفته شده‌است. تحقیق با این پیشفرض انجام شده که در صورت جدایی‌گزینی فضایی کامل اقشار و گروههای اجتماعی، تعاملات درون طبقاتی افزایش می‌یابد و منجر به کاهش نقش طبقه متوسط به عنوان گروه مرجع شده و در نتیجه تمرکز فقر و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جرم‌زا در این محله‌ها خواهد شد. بنابراین فرضیه محوری تحقیق عبارت است از: هرچه میزان تمرکز فقر بیشتر احتمال شکل‌گیری خرده‌فرهنگ جرم‌زا بیشتر.

این تحقیق به روش پیمایشی و در سه محله تهران که بر اساس شاخص قیمت زمین مسکونی انتخاب شده‌اند، انجام شده‌است. پرسشنامه دارای دو بخش است. در بخش اول پایگاه اجتماعی اقتصادی پاسخگویان به وسیله سؤالهایی درباره میزان سواد سرپرست خانوار و همسر وی، گروه شغلی، منزلت شغلی، سطح درآمد و درآمد سرانه سنجیده می‌شود. در بخش دوم گرایش به خرده‌فرهنگ کجرو با شاخص‌های اعتقاد به شانس، قدرگرایی، بنده لحظه‌ها بودن، تمایل به خشونت، گرایش‌های مذهبی خاص، بی‌تفاوتی محیطی و ارتباط محله‌ای گرایش به

خرده فرهنگ کجرو بررسی شد. از داده‌های تحقیق نتیجه گرفته شد که از میان محله‌های سه‌گانه، جدایی‌گزینی فضایی در محله جنوب شهر کاملاً مشهود است. از سوی دیگر مقایسه بین شاخص‌های متغیر وابسته یعنی خرده فرهنگ کجرو حکایت از تقارن جدایی‌گزینی فضایی با گرایش به بعضی شاخص‌های این خرده فرهنگ دارد. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره نشان می‌دهد، از بین متغیرهای مستقل پایگاه اجتماعی اقتصادی، سکونت در محله جنوب شهر و متغیرهای کنترلی سن و سواد، بیشترین و معنادارترین قدرت تبیین‌کنندگی متعلق به سکونت در محله جنوب شهر و متغیر سن و به معنای تأیید فرضیه تحقیق است.

"فقر، محرومیت و شهروندی در ایران" پژوهشی است که توسط ملیحه شیانی انجام شده است. دو متغیر اساسی که رابطه آنها بررسی می‌شود میزان برخورداری از امکانات و آگاهی از حقوق شهروندی است. پژوهش با استفاده از پیمایش در دو استان تهران و سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۲ انجام شده است. این دو استان از نظر میزان توسعه انسانی و فقر مقایسه شده‌اند. شاخص‌های مورد بررسی قرار گرفته برای توسعه عبارتند از: امید به زندگی در بدو تولد به سال، نرخ باسوادی بزرگسالان، امید به زندگی، شاخص آموزشی، هزینه‌های ناخالص سرانه، نرخ ترکیبی ثبت نام در مقاطع تحصیلی، هزینه سرانه واقعی تعدیل شده و شاخص توسعه انسانی. برای فقر شاخص‌های، جمعیتی که امید زنده ماندن در سن ۴۰ سالگی را ندارند، نرخ بی‌سوادی بزرگسالان، جمعیت فاقد دسترسی به توالی بهداشتی، هزینه ناخالص سرانه برای بیست درصد فقیرترین افراد، هزینه ناخالص سرانه برای بیست درصد ثروتمندترین افراد، جمعیت زیر خط فقر، جمعیت زیر خط هزینه روزانه یک دلار و شاخص فقر انسانی در نظر گرفته شدند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در این دو منطقه که از نظر سطح توسعه متفاوت بوده و یکی دارای توسعه بالا و دیگری توسعه پایین تشخیص داده شده‌اند، دو سطح از تحقق شهروندی هم مشاهده می‌شود. بنابراین فقر و محرومیت را می‌توان از عوامل بازدارنده تحقق شهروندی به حساب آورد و از سوی دیگر عدم تحقق حقوق و وظایف افراد جامعه را نیز عنصر مهمی در دستیابی به امکانات و منابع برشمرد. نتیجه مذکور مؤید مباحث نظری در ارتباط متقابل و پیچیده فقر، محرومیت و شهروندی است.